

## تعطیلی تابستون

دوباره از راه رسیده تابستون  
میوه‌ی تازه اومده تو میدون

بیرون شهر، هوا چه دلپذیره  
منظره هاش همیشه بی نظیره

قراره انگور و بلوط بچینیم  
چند تایی تار عنکبوت ببینیم



## ماهیِ حوضِ کاشی

کَبوترا نِشستَن کنارِ حوضِ کاشی  
تو آبِ نِگا می کنن به پیچ و تابِ ماهی

تَنیش پر از پولکِه ، پیچ می خوره چه آسون  
دُمش شبیهِ چتره که بازه زیرِ بارون

می چرخه تو آبِ حوض ، یهو می جَهه بیرون  
کَبوترا می ترسن ، می پَرَن تو آسمون



## بوی چای زعفران

مامان بزرگ یه قوری چای زعفران دم کرده  
بوی خوشیش رفته توی مغز و شادم کرده

وقتی که این بو می پیچه یعنی که مهمون داریم  
مامان بزرگ دلش می خواد سنگ تموم بزاریم

می‌گه: «یه وقت سلامتون نباشه نصفه نیمه  
آی بچه‌ها، مهمونمون، یار دبستانیمه»